

ZENDEGI - SALAM

ضمیمه روزانه و زتابه خراسان

چهارشنبه ۲۰ آبان ۱۳۹۴

۲۸ محرم ۱۴۳۷ ✦ ۱۱ نوامبر ۲۰۱۵

۳۴۰



اجازه ندهیم ادا‌مه حواشی فیتيله

مثل برنامه جمعه اش تلخ باشد

سید مصطفی صابری– حواشی مربوط به برنامه روز جمعه فیتيله و اشتباه بزرگی که در آن رخ داد هنوز ادامه دارد. اتفاقی که واقعا ناراحت کننده بود اما تا حواشی بعدش هم تلخ نشده باید فکری کرد. رنگین کمان را تصور کنید، از چند رنگ مختلف تشکیل شده، اما هر وقت اسمش را می شنوید یک کلیت واحد و زیبا در ذهن تان متبادر می شود که بدون هر کدام از رنگ ها دیگر ماهیتش رنگین کمان نیست. شاید زیبا باشد اما زیبایی قبل را ندارد. یک نیم ورزشی هم همین طور، از آدم های مختلف با ویژگی های مختلفی تشکیل شده اما تا کید روی تفاوت ها نیست بلکه روی هدف مشترک آن هاست یعنی پیروزی. اصلا تفاوت هاست که یک زوج، یک خانواده، یک محله، یک شهر و یک کشور را زیبا می کند چون آدم ها مکمل هم هستند. ما مردم ایران هم علیرغم تنوع در قومیت ها، شباهت های زیادی در دین، ملیت و خیلی چیزها دیگر داریم و در کنار هم یک مفهوم واحد به نام ایران را می سازیم و بدون هر قومیت این مفهوم آن ویژگی های قبلی را ندارد. وطن یک اجتماع نیست، در اجتماع آدم ها فقط بر حسب یک اتفاق و بدون هیچ حس مسئولیت و تعهدی، گرد هم جمع شده اند. اما وقتی در باره مفهومی مانند وطن صحبت می کنیم یعنی داریم به جای اجتماع از جامعه حرف می زنیم، جامعه ای که یک اجتماع هدفمند است و آدم ها با دلایل مشخصی با محوریت یک مرکز جغرافیایی و با تاکید روی ویژگی های خاص بخشی مثل دین، دور هم جمع شده اند تا یک مفهوم بزرگ را بسازند و در کنار هم برای تعالی وطن تلاش کنند. در یک جامعه قومیت ها باعث پویایی و تکامل یکدیگر می شوند. معرفی قومیت ها و ویژگی های شان نباید جزو خط قرمزها باشد، به طور مثال نباید از لهجه شیرین شیرازی یا خون گرمی جنوبی ها به راحتی گذشت. شخصیت جناب خان یا آقای همساده در خندوانه و کلاه قرمزی روی همین ویژگی های لطیف و شیرین تاکید دارند. از قضا جنوبی ها هم از این که در عین خون گرمی جناب خان، گاهی این شخصیت، خالی بند معرفی شود، چون در نیت خوب برنامه ای مثل خندوانه که هدفش شاد کردن مردم است شکی ندار ند لگبتر نمی شوند. اما این استفاده از لهجه ها تا جایی لطف دارد که گویای ویژگی های اخلاقی آن ها باشد و به معرفی بهترشان کمک کنه نه آن که باعث شود چهره واقعی آن ها مخدوش شود و مورد توهین قرار بگیرند. آن چه در فیتيله جمعه اتفاق افتاد متأسفانه چیزی جز توهین با بی سلیقگی محض نبود، بی سلیقگی از این نظر که معلوم نبود پخش چنین ایتِم مضمئَر کننده و بی هدفی، ولو که شخصیت ها هیچ لهجه خاصی هم نداشتند چه فایده ای می توانست برای کودکان داشته باشد؟ آیا برای آموزش مسواک زدن هیچ داستان سرراستی که اینقدر زشت نباشد وجود نداشت؟ ایماذ تلخ ماجرا با لهجه شخصیت ها بیشتر هم شد. اما از آن طرف عذرخواهی سریع عوامل و برخورد قاطع صدا و سیما نشان داد عزم جدی در حفظ کرامت قومیت ها به عنوان من و تویی که یک اءء را تشکیل داده ایم وجود داشته و دارد و همه چیز ناشی از یک اشتباه سهوی بوده است. این که چطور خود عوامل برنامه و پس از آن عناصر نظارتی بر پخش برنامه، چنین اشتباه بزرگی را مرتکب شدند، غیر قابل درک است اما از طرفی نباید فراموش کرد که همین عموهای فیتيله ای نه تنها در برنامه های شان، بلکه طی این سال ها در چندین و چند برنامه خبریه، بدون هیچ چشمداشتی کوشش های فراوانی برای شادی بچه ها انجام دادند و حالا که به اشتباه خود پی برده اند و با دیگر عوامل هم برخورد شده، نیاز است برای حفظ وحدت همان کلیت بزرگ یعنی ایران اسلامی که همگی دوستش داریم به فکر گذشت و بزرگواری بود. حق چیز مهمی است اما گذشت و سعه صدر هم با ارزش است. این که حقی ثابت شده به خودی خود با ارزش است و شاید لازم نباشد حالا هر طرف مقابل به اشتباهش پی برده و بدون هیچ توجیهی پوزش می خواهد، بیشتر از این پافشاری کرد و عرصه را برای برخی که از خدشه دار شدن هویت ما ایرانی ها نفع می برند باز گذاشت. به قول امیر تلتل چهره فعال در شبکه های اجتماعی: «آذری ! غیرتی جدی عادی !! هر کی ام که باما طرف شد اغلادی گدّی یادی ولی اگه کسی شوخی کرد با اشتباه کرد و همین عموهای فیتيله ای نه تنها در برنامه های شان، بلکه طی این سال ها در بیشتر از این حرفاس... شاید چاره کار، در کنار حفظ حرمت ها، کمی مهربانی باشد و عشق و اطمینان، به قول مهربا قاسم خانی: «همه مون داشتیم کنار هم زندگی می کردیم و حال می کردیم. شوخی می کردیم و جوک می گفتیم، ولی به هم اطمینان داشتیم چون دوست داشتیم همو. همه قومیت ها و لهجه ها توی نمایش های تلویزیونی کنار هم زندگی می کردن. رادیو که کاروری لهجه می چرخید. همه مون صبح جمعه با شمار و گوش می کردیم و دوستش داشتیم. شخصیت های ترک و لر و شمالی و جنوبی و تهرانی و اصفهانی و شیرازی کنار هم داشن زندگی می کردن و جوک می گفتن و با هم شوخی می کردن و به هیچ کسّی هم بر نمی خورد. چون می دوستیم دوست داریم همو. به هم اطمینان داشتیم. ما و شما نداشتیم. همه مون ما بودیم. بر اساس قومیت دوستامون رو انتخاب نمی کردیم. بر اساس قومیت ازدواج نمی کردیم. اینجوری تربیت شده بودیم. اینجوری بهمون یاد داده بودن. توی خون مون بود... یادش بخیر...»

یک ستانسی در سینما با مخاطبان «شاهزاده‌روم»

پویانمایی سینمایی شاه‌زاده‌روم در مشهد، در سینماهای هویزه، آفریقا و پیروزی اکران می‌شود. پردیس هویزه این پویانمایی را در سالن هشت خود با ظرفیت ۵۰ نفر نمایش می‌دهد. یک بعداز ظهر پاییزی با چند بچه قد و نیم قد که همگی، آئونس‌های هیجان‌انگیز فیلم را در تلویزیون دیده‌اند و حسایی مشتاق تماشای یکی از حرفه‌ای‌ترین پویانمایی‌های ایرانی را در سال‌های اخیر هستند، راهی سینمای می‌شوم. در سینما هم تعداد زیادی دختر بچه و پسر بچه هیجان‌زده، با خانواده منتظر باز شدن در سالن و شروع فیلم هستند. بالاخره در سالن جمع و جور و دنج باز می‌شود و بچه‌ها و بزرگ‌ترها با سر صدا وارد می‌شوند و روی صندلی‌ها جا می‌گیرند. فیلم دیدن با بچه، شرایط خاص و البته شیرین خودش را دارد که یکیش، باز کردن پر سر و صدای بسته‌های چیپس و آمیوه و زیر صدای یکتواخت خرچ خرچ جویدن پفک و هورت کشیدن آیس‌پک است. چراغ‌های سالن که خاموش می‌شود، تعجب و همه‌همه بچه‌ها، لیخنر بد لب بزرگ‌ترها می‌آورد و با شروع شدن فیلم، حواس همه جمع تیتراژ و قصه می‌شود. این قدری که به گوش می‌رسد، بیشتر مخاطبان حاضر در سالن، از ماجرای فیلم اطلاعی ندارند و صرفا به دلیل ساختار پویانمایی آن، برای تماشا آمده‌اند. یک جاهایی ضرب‌آهنگ فیلم، متناسب با روحیه و حال و هوای رچنب و جوش کودکان، سریع‌است و بچه‌ها غش می‌خورند اما یک جاهایی هم فیلم از ریتم می‌افتد و بچه‌ها چرت می‌زنند و حتی از همدیگر می‌پرسند: «تو فهمیدی چی شد؟ در نهایت پس از پشت سر گذاشتن ماجراهایی که شاید برای بزرگ‌ترها بیش از بچه‌ها قابل درک و هضم بود، پویانمایی به پایان می‌رسد و قهرمان صبور، متوکل و پاکدامن فیلم، عاقبت به خیر می‌شود. چراغ‌ها که روشن می‌شود، انگار هیچ‌کس عجله‌ای برای رفتن ندارد. از فرصت استفاده می‌کنم و با چند نفر از بچه‌ها حرف می‌زنم تا بدانم فیلم از نگاه آنها چگونه بوده است؟

*آدم‌های فیلم را دوست داشتیم

پرهام، هفت ساله، راضی و شاد و ذوق زده می‌گوید: «من فیلم را دوست داشتم. بعضی شخصیت‌های فیلم مثل هلیای مهربان، ماربا کوچولو و پسر زبر و زرنگ سلیمان که با تیر کمان به سر و صورت آدم بدها سنگ پرتاب می‌کرد، خیلی بامزه بودند.»

*ما چراها و پایان فیلم مبهم بود

تارا، هشت‌ساله که با پدرش برای تماشای فیلم آمده می‌گوید: «من اصلا نفهمیدم آخرش چه شد. این‌همه قصه‌را دنبال کردم تا ببینم سر نوشت ملیکا چه می‌شود اما یک‌هو همه چیز با عجله تمام شد. راستش من اصلا این قصه‌را نشنیده بودم و برای اولین بار بود که می‌دیدم. به همین خاطر همه چیز برایم مبهم بود. کاش به شکل ساده‌تری یا حداقل با یک سری توضیحات، قصه‌را تعریف می‌کردند و پایان فیلم این قدر کوتاه و مختصر نبود.»

* دوست دارم پویانمایی ایرانی ببینم، چون...

شیرین، ۹ ساله هم که فیلم را دوست داشته به نکته‌ای اشاره می‌کند که نشان دهنده هوشیاری و تیزبینی بچه‌هاست: «بچه‌های خارجی وقتی پویانمایی‌های خارجی را می‌بینند، حتما حس خوبی دارند چون خانه‌ها، ماشین‌ها، آدم‌ها، مغازه‌ها، اسباب‌بازی‌ها و حتی حیوانات و ماجراهای کارتون، شبیه فضای زندگی خودشان است. من هم همیشه دوست دارم کارتون‌ی تماشا کنم که همه چیزش، شهر و خانه و لباس و زندگی شخصیت‌ها شبیه زندگی خودمان باشد. من این فیلم را دوست داشتم چون شرایطش به شرایط دور و بر ما بچه‌ها مثل سلمان ایرانی نزدیک تر بود و بهتر می‌فهمیدیم و ارتباط می‌گرفتم.»

در باره پویانمایی ایرانی شاهزاده روم که این روزها روی پرده سینماهاست

روایتی ایرانی از شاهزاده رومی

آذر صدارت- «شاهزاده روم» یک پویانمایی سینمایی به کارگردانی هادی محمدیان و تهیه‌کنندگی حامد جعفری است که در ۱۵ ماه و با هزینه‌ای حدود ۲ میلیارد تومان، در گروه هنریوفا تولید و برای اولین بار در سی و سومین دوره جشنواره فیلم فجر رونمایی شد. این اثر که تحت عنوان «اميرة الروم»، در کشورهای لبنان و عراق هم اکران شده، از ۱۳ آبان ماه امسال در سینماهای سراسر کشور از جمله مشهد، به نمایش درآمده و ظرف چهار روز، بنا به اعلام رسمی غلامرضا فرجی، مدیر پخش فیلم، فقط در تهران ۵۰ میلیون تومان فروخته است. از آنجا که این سال ها، صنعت پویانمایی هم درست مثل صنعت سینما رشد کرده و به رسانه‌ای مهم، هدفمند و تأثیرگذار به‌ویژه بر ذهن کودک و نوجوان تبدیل شده است و در عین حال به دلیل ظرفیت عمیق و تکنیک‌های متنوعش، مخاطبان جدی و پیگیری هم از میان بزرگسالان دارد، لزوم ورود جدی علاقه‌مندان و استعدادهای جوان و خوش فکر کشورمان به این عرصه و تولید محصولات جذاب و حرفه‌ای، ضروری به نظر می‌رسد. در چنین شرایطی، گروهی شروع به کار کرده است که به درستی اعتقاد دارد باید در عرصه پویانمایی، تکنیک و محتوا را با هم پیش برد و علاوه بر استفاده از گنجینه غنی قصه‌ها، داستان‌ها، روایات و حکایات ایرانی – اسلامی، از فناوری روز ساخت پویانمایی هم غافل نشد. اولین کار سینمایی این گروه جوان، همین پویانمایی «شاهزاده روم» است که اکرانش، هم در بچه تازه‌ای به روی کودکان ایرانی که معمولا مصرف‌کننده پویانمایی‌های خارجی هستند گذشته، هم بارقه‌ای از امید به جامعه انیمیشن‌سازان جوان ایرانی بخشیده است. با ما همراه باشید تا به بررسی یکی از حرفه‌ای‌ترین محصولات اخیر عرصه انیمیشن‌سازی کشورمان بپردازیم.



پای حرف‌های هادی محمدیان، کارگردان «شاهزاده روم»

دهه نود، دهه پویانمایی ایران است!

مریم ضیغمی – هادی محمدیان، از چهره‌های شناخته‌شده عرصه انیمیشن‌سازی کشور است که حالا کارگردانی پویانمایی سینمایی «شاهزاده روم» را به عنوان اثری جذاب و ماندگار در کارنامه حرفه‌ای‌اش دارد. او درباره چگونگی ساخت این اثر در گفت‌وگو با «زندگی سلام» می‌گوید: «بی‌شک ساخت و تولید شاهزاده روم، یک فرصت و توفیق الهی بود. شاید خیلی قابل درک نباشد اما احساس واقعی من این است که خودم کار خاصی انجام ندادم و هر چه بود، لطف و یاری خدای مهربان به اضافه حمایت و همدلی گروه حرفه‌ای و درجه‌یکی است که با من همراه بودند. قصد داشتیم یک کار خوب، با کیفیت و استاندارد سینمایی بسازیم تا پویانمایی ایران سرو شکلی حرفه‌ای پیدا کند». ادامه صحبت‌های او را



با «زندگی سلام» و بخشی از گفت‌وگویش با شبکه دورا اینخوند:

< یک گام رو به جلو در پویانمایی ایران

محمدیان در تحلیل اولین اثر سینمایی‌اش می‌گوید: «شاهزاده روم دو خاصه مهم دارد؛ یک تکنیک و دیگری محتوا. در بحث تکنیک ادعا ندارم بهترینیم اما فکر می‌کنم پویانمایی ایران را یک گام به جلو بردیم. تا به حال بیشتر کسانی که فیلم‌را دیده‌اند، چند هنرمندان و فرهیختگان و اهالی رسانه و چه مردم عادی و کودک و نوجوان که اتفاقا مخاطب اصلی ما هم هستند، از تکنیک فیلم راضی بودند و این رضایت انگار جان و امید تازه‌ای به کالبد جامعه پویانمایی ایران میدد که: 'بله! انگار می‌شود پویانمایی سینمایی ایرانی کار کرد و مخاطب را هم راضی و خوشحال، بدرفه کرد. در تمام سال‌های گذشته، ایران علیرغم داشتن استعدادهای برتر، از ابتدایی‌ترین ابزارهای استاندارد انیمیشن‌سازی محروم بود اما خوشبختانه در سال‌های اخیر، اتفاقات خوبی برای پویانمایی ایران در جریان است و معتقدم دهه‌نود، دهه پویانمایی ایران خواهد بود.»

< «شاهزاده روم»، قصه مشترک ادیان الهی

محمدیان درباره هدفش از خلق این اثر می‌گوید: «قصه فیلم، به خودی خود قابلیت دراماتیک بالایی دارد؛ خود من از دوران کودکی و به‌ویژه در نوجوانی که اوج عواطف و احساسات آدمی است، به این ماجرا که تم عاشقانه هم دارد، علاقه مند شدم و یکی از آرزوهایم این بود که درباره آن یک فیلم بسازم. ضمن اینکه ما قصد داشتیم با پرداختن به این موضوع، پاسخی به مسائل روز جهان و اتفاقات تلخی که با هدف تفرقه میان پیروان ادیان مختلف، در حال وقوع است بدهیم. «شاهزاده روم» قصه مشترک ادیان اسلام و مسیحیت است، چرا که مادر حضرت امام‌زمان(عج) نوزده‌قصر روم بوده و ابتدا مسیحی بودند و طی ماجراهای جذابی، مسلمان شده و به همسری امام حسن عسکری(ع) درمی‌آیند. به همین دلیل احساس کردیم که پرداختن به این موضوع می‌تواند بین این دو دین، همزیستی و دوستی بیشتری برقرار کند.»

< اکران جهانی پویانمایی «شاهزاده روم»

محمدیان، کارگردان «شاهزاده روم» درباره نمایش این پویانمایی در کشورهای عراق و لبنان و مشارکت حزب الله لبنان در تولید این اثر هم می‌گوید: «قبلا یک پویانمایی کوتاه را جع به ولادت حضرت ولی‌عصر(عج) کار کرده بودیم که دوستان لبنانی آن کار را دیدند و نکاتی را به ما منتقل کردند مبنی بر اینکه در کشور لبنان به خاطر همزیستی مسیحیان و مسلمانان، تولید یک پویانمایی برخوردار از زبان مشترک می‌تواند به اتحاد پیروان دو دین کمک بسیاری کند. از همان‌جا تولید «شاهزاده روم» آغاز شد. در واقع، ایده اولیه کار توسط آنها شکل گرفت. ضمن اینکه روی متن و محتوای اثر هم کار کردند. آنها به ما این دلگرمی را دادند که می‌توانیم روی مخاطب غیر ایرانی هم تأثیر بگذاریم. نخستین اکران این فیلم که به زبان عربی «اميرة الروم» ترجمه شده است، فروردین ماه امسال در کشور لبنان و با حضور «رمون عریجی» وزیر فرهنگ این کشور که فردی مسیحی است شکل گرفت. «شاهزاده روم» در لبنان با استقبال بسیاری مواجه شد و در رقابت با سایر فیلم‌های هالیوودی که در این کشور اکران شد، ششمین فیلم پر فروش لبنانی

چند پیشنهاد به بزرگ‌ترها

چگونه تماشای فیلم را برای بچه‌ها خاطره‌انگیز کنیم؟

وقتی پدر و مادرهای امروزی بچه بودند، سینمای کودک و نوجوان رونق خوبی داشت و با اکران هر فیلم کودکانه، موج قشنگی از تیزرهای تلویزیونی، صف‌های جلوی در سینماها، قراهای خانوادگی برای رفتن به سینما، برنامه‌های مدارس برای تماشای فیلم توسط دانش‌آموزان و تولید محصولات جانبی با استفاده از تصاویر قهرمانان فیلم مثل کتاب و دفتر و پاک‌کن، در جامعه ایجاد می‌شد. برای ما گلنار، دزد عروسک‌ها، مدرسه پسرمردها، پاتال و آرزوهای بزرگ و... فقط یک فیلم نبود؛ بلکه مجموعه‌ای از خاطرات شیرین بود که تصور و یادآوری شان هنوز هم شادی مهیا شدن برای تماشای فیلم، تاریکی سالن سینما و طعم خوشمزه بستنی شکلاتی‌های یخچال‌های آکاسیوی سیار و چیپس‌های دست‌ساز را زنده می‌کند.
بله! دوره و زمانه عوض شده است و بچه‌های این روزها آن قدر امکانات متنوع دارند که ممکن است دیدن یک پویانمایی ایرانی در سینما، آن قدرها هیجان زده‌شان نکند اما باز هم می‌توان با رعایت ظرافتی، تماشای این فیلم را به خاطره‌ای شیرین و ماندگار تبدیل کرد.

۱ حتما قبل از رفتن به سینما، کمی درباره قصه‌ای که فیلم براساس آن شکل گرفته است با کودکان صحبت کنید تا وی روند داستان فیلم را درک کند و گیج نشود.
۲ درباره تکنیک قوی و حرفه‌ای فیلم با کودک حرف بزنید، عکس‌های فیلم را با جست‌وجو در اینترنت ببینید و عوامل حرفه‌ای فیلم را به کودک معرفی کنید تا برای تماشای پویانمایی، اشتیاق داشته باشد.
۳ برنامه رفتن به سینما و تماشای فیلم را به عنوان جایزه‌ای در پاداش کارها و نمرات خوب بچه در نظر بگیرید و با یک تیر، دو نشان بزنید. کودکان هم برای رشد و پیشرفت انگیزه پیدا می‌کند، هم به فضای فرهنگ و هنر وطنی علاقه مند می‌شود.
۴ سینما رفتن را با جزییاتی مثل خرید بلیت، انتخاب یک مسیر جدید، گرفتن خوراکی مورد علاقه بچه و حرف زدن درباره فیلم، تبدیل به پروهی‌ای شیرین کنید.
۵ از همین الان اقدام به فرهنگ‌سازی کنید و به کودکان یاد بدهید قبل از شروع فیلم در سینما باشد، هنگام نمایش فیلم بلندبلند حرف نزنند و خوراکی نخورند، زباله خوراکی را کف سینما نریزد، با تلفن همراه کار نکند و خلاصه حرفه‌ای فیلم ببیند.